

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

18dbc21c588b8a78c8e7248a9367390c32cf728b029c9f177848741db8d3bc1f

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

**جهاد علمی - تعداد فیش : 34 ، تعداد مقاله : 0**

**بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین** 1393/09/06

ما در علم و تحقیق نخبه‌های برجسته‌ای داریم، مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه انداخت و انسانهای زیادی را تربیت کرد - همکارانش هم همان‌جور هستند؛ امروز هم بحمدالله این حرکت ادامه دارد - یا مثل شهید شهریار؛ که این روزها اسم شهید شهریار را می‌آوریم، چون این روزها سالگرد شهادت او است؛ (۱۱) بقیه هم همین‌طور: رضایی‌نژاد، علی‌محمدی، احمدی روشن؛ اینها نخبگانی بودند در وادی علم و تحقیق که بسیجی‌وار کار کردند؛ شهید شهریار بسیجی‌وار کار کرد. آن روزی که درها را به روی ملت ایران خواستند ببندند - با آن شیوه‌هایی که حالا خیلی‌ها از آحاد مردم در تلویزیون، در خبرها چیزهایی را شنفتند، خیلی‌ها هم پشت پرده است که بعدها روشن خواهد شد که چقدر خبثت کردند - که محصول این رادیواروها به دست مردم نرسد و جمهوری اسلامی دچار مشکل بشود و گفتند «نیوفروشیم» که این مرکز تهران تعطیل بشود، اینها - مرحوم شهید شهریار - هم مشغول کار شدند، تلاش کردند، که بعد آمدند به ما گفتند که توانستیم بیست درصد را تولید کنیم، بعد هم آمدند به ما اطلاع دادند که ما لوله‌ی سوخت و صفحه‌ی سوخت را هم ساختیم؛ دشمن [متحیر] ماند. این کار کار بسیجی بود؛ این کار کار معمولی نبود. در هم‌هی این میدانهایی که ذکر کردیم، هزاران انسان بزرگ بودند و هستند و تلاش کردند که بعضی را اسم آوریم.

**ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری»** 1393/06/29

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.

۱-۲- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۱-۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.

۱-۴- تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و میانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۱-۵- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه ریزی ویژه.

**بیانات در یادمان شهدای شرق کارون** 1393/01/06

آنچه که ملتها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سربلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاشها، آمادگی برای جان‌فشانی است که يك ملت را در میان ملتها سرفراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمانها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمانهای بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمانها بایستند؛ و ایستادند.

**بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها** 1392/05/15

از حدود ده سال، دوازده سال پیش يك حرکت علمی جدید و رو به گسترشی در کشور آغاز شد و این حرکت ادامه پیدا کرد و رو به تزايد گذاشت. یعنی من اینجور می‌بینم و می‌فهمم که حرکت تولید علم و نگاه مجاهدت‌آمیز به کار علمی و تلاش علمی در کشور که از همان حدود ده دوازده سال قبل آغاز شده است تا امروز، نه فقط متوقف نشده است، بلکه رو به عمق و توسعه پیش رفته. تقریباً میشود گفت که در همه‌ی زمینه‌های علمی هم این حرکت وجود داشته است - در بعضی کمتر، و در بعضی بیشتر - این همان چیزی است که ما دنبالش بودیم؛ این همان مجاهدت علمی است که برای نظام جمهوری اسلامی و برای کشور ما لازم بود.

**بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها** 1392/05/15

اگر وضعیت دانشگاهی امروز کشور را با دوران اول انقلاب - یعنی آنچه که میراث قبل از انقلاب و دوران طاغوت بود - مقایسه کنیم، آمارها شگفت‌آورتر از اینها هم هست. آن روزی که انقلاب پیروز شد، صد و هفتاد هزار دانشجو داشتیم؛ امروز چهار میلیون و چهار صد هزار دانشجو در کشور هست؛ یعنی حدود بیست و پنج برابر. آن روز بار تعلیم بر دوش حدود پنج هزار استاد و استادیار و دانشیار و معلم و امثال اینها بود، امروز در حدود شصت هزار معلم دانشگاهی داریم؛ چه در دانشگاهها، چه در مراکز پژوهشی. اینها مسائل مهمی است، اینها پیشرفت‌های ارزنده‌ای است. البته من اینجا چیزهایی یادداشت کرده‌ام که دیگر لزومی ندارد بیان کنم؛ بعضی از اینها را شماها میدانید و شنیده‌اید، بعضی‌ها هم لازم نیست مطرح شود. مقالات علمی پرستناد - یعنی مقالات علمی‌ای که از طرف محققین ایرانی منتشر میشود و در دنیا به آنها استناد میشود - روزبه‌روز رو به افزایش است؛ آمارش را به طور ریز به من داده‌اند، که حالا من نمی‌خواهم روی آن تکیه کنم؛ اما این خیلی پدیده‌ی مهمی است. پس مجاهدت علمی در کشور اتفاق افتاده.

يك سؤالی در اینجا مطرح است: آیا حالا که ما این پیشرفت‌های علمی را در زمینه‌های مختلف در کشور مشاهده می‌کنیم، يك نفس راحتی بکشیم، بنشینیم سر جایمان؟ خب، پیدا است که پاسخ منفی است؛ نه. ما هنوز از خط مقدم علم عقبیم، هنوز در بسیاری از دانش‌های مورد نیاز زندگی دچار عقب‌ماندگی‌های مزمن هستیم؛ با همه‌ی این پیشرفتی که در بخشی از دانشها داشته‌ایم. پس چون دچار عقب‌ماندگی هستیم، باید کار کنیم. وانگهی کاروان علم در دنیا متوقف که نمیشود؛ دارند با سرعت حرکت میکنند. ما نه فقط باید جایگاه فعلی‌مان را حفظ کنیم، بلکه باید جلو برویم؛ اینها هم‌ه‌اش تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. لذا اولین حرف ما به دانشگاههای کشور و دانشمندان کشور و نخبگان کشور این است که نگذارید این حرکت از دور بیفتد، نگذارید حرکت علمی کشور متوقف شود؛ هیچ مانعی نتواند دانشگاه کشور را از رشد به سمت پیشرفت علمی باز بدارد.

**بیانات در دیدار دانشجویان** 1392/05/06

امروز یکی از نیازهای اساسی و درجه‌ی يك کشور، نیاز علمی است. اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه‌ی علمی، پیشرفتهائی را که تا امروز بحمدالله به دست آمده است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه‌ی مشکلات اقتصادی، هم در زمینه‌ی مشکلات سیاسی، هم در زمینه‌ی مشکلات اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشائی‌های بزرگی خواهد شد. علم مسئله‌ی بسیار مهمی است. در این حدود ده سال، یازده سال گذشته، در این زمینه خیلی کار شده؛ لیکن بعد از این هم باید کار شود؛ کار مضاعف شود. من عقیده‌ام این است که کار علمی در دانشگاه و در کشور باید جهادی باشد؛ کار علمی جهادی انجام بگیرد.

**پیام تسلیت در پی درگذشت علامه آیت‌الله الفضلی** 1392/01/20

با حزن و اندوه فراوان، خبر درگذشت علامه آیت‌الله دکتر عبدالهادی الفضلی را دریافت نمودم.

این علامه‌ی فقید، عمر شریف خود را در جهاد علمی و سیاسی و دفاع از مقدسات امت اسلامی و مسائل بر حق آن سپری کرد. این فقید از پیشگامان تفکر و اندیشه و از نظریه‌پردازان برجسته‌ی اسلامی بود و بهترین نشانه‌ی این امر، آثار و تألیفات گرانسنگ ایشان است. مرحوم الفضلی پناهگاه علمای امت بودند و با فکر و حرکت و جهاد و تلاش‌های وحدت‌آفرین خود، نمونه و أسوه‌ای را در نزدیکی دل‌ها، وحدت بخشیدن به صفوف اسلام، همدلی و دوری از نزاع‌ها و اختلافات، و تمرکز نگاه‌ها و اندیشه‌ها بر دشمن مشترک آحاد امت عظیم اسلامی ارائه کردند.

**بیانات در دیدار دانشجویان** 1391/05/16

یکی از چیزهایی که ما از دانشجویها توقع داشتیم و این به طور طبیعی در دانشگاه و در محیط جوان وجود دارد و بنده هم اصرار داشتم که این حالت در دانشگاه زنده بماند، مسئله‌ی آرمان‌گرایی است. البته ما در دیدار با مجموعه‌ی کارگزاران نظام در اوائل ماه، درباره‌ی آرمان‌گرایی و نسبتش با واقع‌گرایی، اینجا مقداری صحبت کردیم و بحث کردیم؛ که حالا شاید بعضی شنیده باشید. مسئله‌ی واقع‌گرایی در جای خودش محفوظ است، من هم بعد یک اشاره‌ی خواهم کرد؛ لیکن آرمان‌گرایی، هم در سیاست، هم در همه‌ی صحنه‌های دیگر - مثل آرمان‌گرایی در علم - باید مورد توجه باشد. آرمان‌گرایی در علم، یعنی در زمینه‌ی مسائل علمی باید دنبال قله بود؛ که این، توجه شما را به درس خواندن و خوب درس خواندن باید نتیجه بدهد. من به شما عرض بکنم؛ امروز درس خواندن، علم‌آموزی، پژوهش و حدیث در کار اصلی دانشجویی، یک جهاد است؛

**دیدار نخست‌وزیر عراق با رهبر انقلاب** 1391/02/04

باید در عراق که مرکز استعدادهای علمی دنیای عرب است، یک نهضت علمی آغاز شود و دانشگاهیان و نخبانان به سمت جهاد علمی سوق داده شوند.

**بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت عبدالجلیل قزوینی رازی** 1391/01/28

در مورد مرحوم عبدالجلیل قزوینی رازی، کاری که دارد انجام میگیرد، به نظر من یک کار کاملاً شایسته و بایسته است. این شخصیت بزرگ، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ ادبی، یک مرد برجسته‌ای بوده. کتاب التَّقْض ایشان، غیر از اینکه اعتقادات و معارف اهل‌بیت و شیعه را بیان کرده و جواب داده به آن ناصبی‌ای که کتاب نوشته بوده، مملوّ است از استدلالهای منطقی و قابل فهم برای همه؛ این خیلی چیز مغتنمی است. علاوه‌ی بر این، متن یک متن ادبی است، یعنی یک نثر قرن ششمی استوار، محکم و بسیار قوی. یک مشکل اساسی ما در کارهای اعتقادی و علمی اسلامی، برخوردار نبودن از آرایه‌های هنری و ادبی است. خیلی از کتابهای ما کتابهای خیلی خوبی است، لکن هیچ خواننده‌ی اهل ذوق و اهل ادبی را جذب نمیکنند، مگر کسی انگیزه‌ی زیادی داشته باشد و فقط محتواها را بخواند بفهمد؛ چون خود آرایه‌ی کتاب - از لحاظ ادبی - چیز جدّایی نیست. این کتاب این‌جور نیست؛ این کتاب کتابی است که از لحاظ ادبی نثر بسیار متین، قوی و محکمی دارد و خیلی زیبا نوشته شده. البته نثر قرن ششم است، لکن کسانی که با زبان فارسی، با ادب فارسی، با نثر فارسی آشنایی دارند، این کتاب را بسیار می‌پسندند.

و مصحّح این کتاب - مرحوم محدّث أرموی - خیلی زحمت کشید برای این کتاب و هیچ هم از او قدردانی نشد؛ من خواهش میکنم در این کاری که دارد انجام میگیرد، از مرحوم محدّث واقعاً قدردانی بشود. خب، مرد بسیار فاضلی بود؛ محدّث یک چیزی شبیه محمد قزوینی - یعنی واقعاً همان‌جور تیبی - بود. من ایشان را از نزدیک دیده بودم، کاملاً می‌شناختم. این کتاب التَّقْض و ملحقات نقض را هم من خودم از ایشان شخصاً خریدم. ایشان این کتاب را یک دوره، دو دوره، سه دوره، در دستمال می‌گذاشت - از این دستمالهای ابریشمی - و با خودش راه میبرد؛ این‌جوری می‌فروخت کتاب را این مرد ملاً و فاضل! ایشان داماد مرحوم آسیّد احمد طالقانی یعنی شوهر خواهر جلال آل‌احمد بود؛ و خب آدمی بود که میتوانست در محافل ادبی و هنری آن روز شناخته شده باشد؛ اما کسی به ایشان خیلی توجهی نمیکرد، از بس آدم خوددار و دارای عزّت نفس و عقّت نفسی بود. از او واقعاً باید تجلیل بشود؛ او مجاهدت کرد که این کتاب را تصحیح کرد و چاپ کرد و آورد به بازار و در اختیار این و آن قرار داد و الاً اصلاً کسی این کتاب را نمی‌شناخت.

**بیانات در دیدار نخبانان جوان** 1389/07/14

ما سرمایه‌گذاری‌های مقطعی زیادی داشتیم، پیشرفتهای مقطعی هم زیاد داشتیم که قائم به اشخاص بوده، قائم به گروه‌های خاص بوده؛ این بایستی در همه‌ی بخشها، در همه‌ی رشته‌ها توسعه پیدا کند؛ یک جریان عام تمامی‌ناپذیر در زمینه‌ی علم و در همه‌ی رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم. این کار، تلاش لازم دارد؛ این همانی است که من در یک جلسه‌ی با جمعی از فرزندان و دانشگاهیان - که به نظرم ماه رمضان بود - گفتم جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد.

خوب، اگر بخواهیم این مجاهدت به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه‌ی به دانشگاه‌ها بشود؛ چون دانشگاه، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه‌هاست.

**بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها** 1389/04/02

امیدوارم که خدای متعال همه‌ی شما را حفظ کند و موفق بدارد و روزبه‌روز بصیرت شما را بیشتر کند. و ان‌شاءالله شما را هم در جهاد علمی، هم در جهاد عملی، هم در جهاد بصیرت‌پرانی - در محیط علم و محیط دانشگاه و همچنین در محیط جامعه - روزبه‌روز موفق‌تر کند.

**بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها** 1389/04/02

عرصه‌ی حضور بسیج خیلی وسیعتر از عرصه‌ی نظامی است. اینی که من بارها گفتم و تکرار میکنم که نباید بسیج را یک نهاد نظامی به حساب آورد، تعارف نیست؛ بلکه حقیقت قضیه این است. بسیج عرصه‌ی جهاد است، نه قتال. قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این میشود جهاد. لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله»؛ جهاد با نفس، جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه‌ی تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحات بزنید، از آسایش جسمانیات بزنید، از فلان کار پرپول و پردرآمد - به قول فرنگی‌ها پول‌ساز - بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده‌ی علمی را به دست بیاورید و مثل دسته‌ی گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است.

**دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن** 1388/11/06

انقلاب اسلامی با آن عظمت پیروز شد. مردم آمدند با تن‌های خودشان، با جسمهای بی‌پناه و بی‌زره خودشان در مقابل سلاح عوامل رژیم جبار ایستادند و انقلاب را پیروز کردند؛ بعد همین مردم آمدند به جمهوری اسلامی رأی دادند و جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. خوب، یک انسان باانصاف و باشرف، در مقابل این خواست مردم چه میکند؟ بعضی‌ها آمدند وسط میدان، ادعای طرفداری از مردم کردند، خودشان را دموکراتیک خواندند، خودشان را طرفدار خلق معرفی کردند؛ آن وقت با همین خلقی که این نظام را با این بهای سنگین سر کار آورده بودند، شروع کردند به مقابله کردن. توشان منافق بود، کافر صریح بود، طرفدار غرب بود، متظاهر به دین هم بود؛ همه‌ی اینها با هم شدند یک جبهه، یک حرکت، در مقابل نظام اسلامی، در مقابل ملت ایران. ادعای طرفداری از مردم کردند، با مردم درافتادند؛ ادعای طرفداری از دموکراسی و آراء مردم کردند، با آراء مردم و نتیجه‌ی آراء مردم درافتادند؛ ادعای روشنفکری و آزاداندیشی و آزادفکری کردند، به طور متحجرانه چهارچوبهای الفانی متفکرین غربی را - که آمیخته‌ی به بدخواهی و بددلی بود - قبول کردند؛ آمدند مقابل ملت ایران. اول با حرفهای روشنفکرانه یا شبه‌روشنفکرانه شروع کردند به امام و به جمهوری اسلامی و به میانی امام اعتراض کردن، انتقاد کردن، حرف زدن؛ بعد یواش‌یواش رودربایستی را کنار گذاشتند، آمدند توی میدان، مبارزه‌ی فکری را، مبارزه‌ی سیاسی را تبدیل کردند به مبارزه‌ی مسلحانه یا اغتشاشگری - اینها توی کشور ما اتفاق افتاد؛ مال تاریخ نیست، مال همین دهه‌ی اول انقلاب است - شروع کردند مزاحمت کردن. به جای اینکه بنشینند فکر کنند، ببینند مشکلات کشور چیست - این همه مشکلات متوجه کشور ما بود؛ مقداری از گذشته مانده بود، مقداری را تحمیل میکردند - به حل این مشکلات کمک کنند، به مسئولین کمک کنند، اگر به نظرشان میرسد که باید راهنمایی کنند، راهنمایی کنند، اگر زیر یک باری را باید بگیرند، به جای اینکه بگیرند، افتادند سینه به سینه شدن، معارضة کردن، بدگوئی کردن؛ بعد هم هر جا توانستند، با مردم مواجه شدن، در بخشهای مختلف، کشور در مرزها درگیر جنگ بود، به جنگ هم بی‌اعتنایی کردند؛ داخل همین خیابانهای تهران، سر هر چهارراهی که توانستند، سر هر گذری که دستشان رسید، بنا کردند با جمهوری اسلامی و با نظام مقابله کردن.

راه پیروزی نهائی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه اشکال؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی - و آنجائی که لازم است، مجاهدت نظامی - و ایمان و جهاد را از دست ندهند.

#### بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر 1387/07/10

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن کلفت عالم که همه دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امتهای مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده وعده الهی است که فرمود: «و لینصرنَّ الله من بنصره انَّ الله لَقویُّ عزیز». و فرمود: «و نرید ان نمَّ علی آذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین». این‌ها وعده الهی است. و فرمود: «و الله غالب علی أمره». این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج خود را نشان می‌دهد.

یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. امروز شما نگاه کنید به صحنه‌ی منطقه‌ی بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید. مسئله فلسطین که یک مسئله عم‌انگیز برای دنیای اسلام بود، امروز با اینکه وحشیگری صهیونیستها نسبت به فلسطینیان چند برابر شده است، در عین حال امید را شما در ناصیه ملت فلسطین مشاهده می‌کنید.

#### بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها 1387/07/03

ما هر چه که عرض میکنیم، با این پیش‌فرضها بایستی ملاحظه بشود. ما چند پیش‌فرض داریم. یکی این است که پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور در علوم مختلف است؛ البته رتبه‌بندی علوم را بعد عرض میکنیم، که یکی از کارهای مهم است.

پیش‌فرض دوم این است که این پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله دیگر است. نباید ما در مسئله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفتهائی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است؛ و این جایز نیست.

بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را بجوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده میکند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده‌ی از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم.

سوم اینکه این پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت ثانیاً؛ حرکت جهادگونه ثالثاً؛ همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پس‌نیده‌ی ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه‌ی حرکت علمی ما را تشکیل بدهد. ممکن است بعضی خدشه کنند که آقا مگر میشود؟ ما باید این باور را پیدا کنیم - همین طور که حالا بعضی از آقایان فرمودند - که میتوانیم. بدانیم که وقتی حرکت انجام گرفت، امید رسیدن به موفقیت وجود دارد.

و چهارم اینکه در این حرکت، تنبلی و تن‌آسانی و محول کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده.

#### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1385/01/01

تولید در يك گستره‌ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره‌ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگذاریم. این تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این يك جهاد است. من امروز به شما عرض می‌کنم، هم به مسئولین و مأموران دولتی و هم به آحاد مردم، به خصوص به شما جوانها؛ این يك جهاد است. امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا، کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، هر کدام از اینها يك جهاد است. مجاهد فی سبیل‌الله تولید کننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید يك کشور عالم بشویم. در يك روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «العالم سلطان، من وجده صالح و من لم یجده صیل علیه»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان يك جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاهها می‌گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنیم به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور. صنعتی که ماهی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست. وظیفه‌ی دانشگاهها سنگین است؛ وظیفه‌ی آموزش و پرورش سنگین است؛ وظیفه‌ی مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است.

#### پیام تسلیت در پی درگذشت مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی 1384/10/15

با تأسف و تلخکامی خبر درگذشت دانشمند مؤمن و جهادگر، مرحوم دکتر «سعید کاظمی آشتیانی» را دریافت کردم و بر فقدان آن شخصیت ارزشمند که کانون امید و ابتکار و نوآوری بود، افسوس خوردم.

وی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده‌ی درخشان علمی در کشور را نوید می‌دهند.

مؤسسه‌ی روایان که مجمع ارزشمندی از نوآوران و جهادگران عرصه‌ی علوم زیستی است، در پیدایش و رشد و اعتلای خود، مدیون همت و ایمان و پشتکار این دانشمند جوان و بلند همت است.

#### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1384/01/01

وقتی این ملت به هدفهای خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسئولان به عنوان یک ارزش شناخته شود. این جهاد، جهاد علمی، جهاد عدالتخواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی است. مدیران کشور، مسئولان، و پشت سر آنها مردم وقتی این شعارها را مد نظر قرار دهند، حرکت کشور به سمت هدفها و آرمانهای خود پُرشتاب و موفق خواهد شد.

#### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت 1383/08/20

جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گوییم من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم؛ همه‌ی اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آنها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه‌جا به معنای جنگ

مسئله نیست. البته یکجا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یکجا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01

در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ در پیروگری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. میدانهای دارد؛ یکی از میدانهای حضور در نبردهای مسلحانه رایج جهانی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهتدار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود؛ این می‌شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزه‌ی، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آنوقت جنبه تقدس هم پیدا می‌کند. شما مبارزه علمی می‌کنید؛ زیرا این کار شما به‌طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمتگیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده‌ایم.

خوشبختانه جهاد به انتظاری که از آن می‌رفت، پاسخ داد. یک روز شاید فکر می‌شد که جهاد یک حرکت گلخانه‌پی است که برای نمونه‌سازی درست کردیم. امروز این گلخانه دارد فضای جامعه را به گلستان تبدیل می‌کند. نه تنها به نمونه‌سازی اکتفا نکرده، بلکه برکات خودش را دارد سرریز می‌کند. همین آمارهایی که دادند - البته قبلاً هم برابرم فرستاده بودند و مرور کرده بودم - بسیار پرمعناست. این که شما در صفوف مقدم علم در بعضی از بخشها دارید حرکت می‌کنید و آن را برای پیشرفت علمی و صنعتی و فناوری کشور به کار می‌گیرید و تحقیق را رشد می‌دهید، معنایش این است که این گلخانه دیگر گلخانه نیست، بلکه فضای باز و معطری است که در حال گسترش است، و من طرفدار این گسترش هستم؛ باید این گسترش روزبه‌روز بیشتر شود. در اولین گزارشی که ایشان ذکر کردند، تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی بود که من گزارشهای بسیار خرسندکننده‌ی را از این کار تحقیقی برجسته دریافت کردم که اینها گویا اولین بار در دنیا - آنطور که در ذهن هست - سلولهای انسولین ساز را تولید کردند و من اخیراً در روزنامه خواندم که سلولهای بنیادی قلب را برای ترمیم قلب به مرحله‌ی آزمایش و عمل درآورده‌اند و پیوند زده‌اند. اینها معنایش همان سر ریز شدن این برکات به سطح جامعه است.

#### پیام به کنگره عظیم حج 1381/11/18

بدیهی است که کانونهای زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملت‌های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش‌عاقبت در پیش رو دارند. روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه‌ی اسلام را خواهند چشید.

این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرتمندانه از حق روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده‌ی خویشند. انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی‌گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تأیید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد؛ اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر..

#### پیام به کنگره بزرگداشت شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر 1379/10/29

بی‌شک اگر این جوهره‌ی علم و تحقیق و این ذخیره‌ی تمام‌نشده‌ی انسانی [آیت‌الله سید محمدباقر صدر]، با دست پلید جنایتکاران از حوزه علمیه روبرو شده‌ی شما، جامعه‌ی شیعی و اسلامی می‌توانست در آینده‌ی نزدیکی شاهد اوج دیگری در قلمرو مرجعیت و ریاست علمی و دینی باشد. توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت‌های بزرگ را با رتبه‌ی والای جهاد فی‌سبیل‌الله رقم زد. در هنگامی که حوزه‌ی کهن نجف در بوته‌ی آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه قدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسی نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت، بینش عمیق او نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجداد طاهربینش به روی پیروان و جانشینان خود گشوده بودند، گامی استوار نهاد و چه زود پاداش این فداکاری عظیم، یعنی محنت و سپس شهادت در راه خدا را دریافت کرد.

#### پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها 1378/07/06

ایران عزیز برای رسیدن به هدف‌های بزرگی که به برکت انقلاب اسلامی در برابر او ترسیم شد، چشم به تلاش جوانان در عرصه‌ی علم و معرفت دوخته است، و بدون آن، فروغ خودباوری و استقلال ملی که در طول دو دهه از انقلاب همواره راهگشای ملت و دولت ما در گذرگاه‌های دشوار بوده است، به ضعف خواهد گرائید.

اسلام عزیز بزرگترین مشوق علم است و چنین بود که در طی قرن‌های پی‌درپی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه‌ی جهان در دست داشتند، و امروز که پس از دوران تلخ تسلط سیاست‌های بیگانه بر کشورمان، بار دیگر ملت ایران آزادی از نفوذ استکبار جهانی را می‌آزماید، جهاد علمی یکی از بزرگترین فرائض ما است.

#### پیام به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تحلیل از حضرت امام خمینی(ره) 1378/03/12

بی‌شک بخش مهمی از گناه عقب‌ماندگی علمی کشور در دوران بیش از پنجاه سال حکومت رژیم فاسد همچون سهم بزرگی از بی‌لیاقتی کارگزاران آن رژیم که در سایه‌ی چنین تفکری پرورش یافته بودند، بر دوش کسانی است که دانشگاه کشور را آنگونه می‌خواستند و برای آن برنامه ریزی میکردند.

انقلاب اسلامی، جهتگیری دانشگاه را یکسره دگرگون کرد و خودباوری، و ابتکار، و استقلال، و پایبندی به ارزشهای اسلامی، و جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت، را جهت اصلی آن قرار داد.

امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهتگیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالنده‌ی کشور است. نظام اسلامی نشان داده است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آن‌که بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان میبرد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده است که بوسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاهدارد. تأکید مکرر امام راحل بر اسلامی شدن دانشگاه، برای این بود که نسل جوان تحصیلکرده‌ی کشور از این احساس ناتوانی و نیاز نجات یابد و به نجات کشور از تبعات وابستگی دوران گذشته همت گمارد.

#### پیام به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تحلیل از حضرت امام خمینی(ره) 1378/03/12

ساده‌انگاری است اگر امید و طمع دشمن بر رجعت دانشگاه به آن گذشته‌ی آفت‌زا، نادیده گرفته شود. امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان، در درجه‌ی اول، دانشجویان و دانشگاهیانند. امروز در حالیکه نسل جوان روشنفکر در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجذوب امام و انقلاب و اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، طراحان تبلیغاتی نظام سلطه‌ی جهانی، در صدد آنند که نسل جوان و نواخته‌ی کشور انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه‌ی خود جداکنند. دست‌های طرار و مغزهای مکار و دلارهای بیشمار در تلاشی بی‌پایان، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته‌اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتو انقلاب به آنان داده شده، غافل‌اند. با اینحال جوانان دانشور، طلبه و دانشجو، و اساتید متعدد، دانشگاهی و روحانی، باید مسؤولیت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمانگرایی به مسابقه‌ی الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، بپردازند.

#### بیانات در دیدار فرماندهان لشکر 27 محمد رسول‌الله (ص) 1375/03/20

یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم. الحمد لله مسئولین کشور خوبند. امروز در رأس کشور، شخصیت‌های مؤمن، مجاهد، آگاه و صمیمی قرار دارند. امروز شخصیتی مثل رئیس‌جمهور ما- آقای هاشمی رفسنجانی- که یک شخصیت مجاهد و مبارز است و عمرش را هم در جهاد گذرانده، شب و روز جهاد می‌کند. مسئولین دیگر، در بخش‌های مختلف- مجلس، قوه قضائیه، نیروهای مسلح، آحاد مردم- همه و همه در جهادند و مملکت، مملکت جهاد فی سبیل الله است. از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم بینم کجا شعله‌ی جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ بینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوش را بگیرم- مسئولیت اصلی حقیر، همین‌هاست- از وجود جهاد در وضع کنونی کشور، نگران نیستم. این را شما بدانید! منتها، نکته‌ای بلیغ در قرآن است که ما را به فکر می‌اندازد. قرآن به ما می‌گوید: نگاه کنید و از گذشته‌ی تاریخ، درس بگیرید. حال ممکن است بعضی بنشینند و فلسفه‌بافی کنند که «گذشته، برای امروز نمی‌تواند سرمشق باشد». شنیده‌ام که از این حرف‌ها می‌زنند و البته، برف، انبار می‌کنند! به خیال خودشان، می‌خواهند با شیوه‌های فلسفی، مسائلی را مطرح کنند. کاری به کار آن‌ها نداریم. قرآن که صادق مصدق است، ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت می‌کند. عبرت گرفتن از تاریخ، یعنی همین نگرانی‌ای که الان عرض کردم. چون در تاریخ چیزی هست که اگر بخواهیم از آن عبرت بگیریم، باید دغدغه داشته باشیم.

**بیانات در دیدار مردم سازی 1374/07/22**

اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه‌ی قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصل، استاد، معلم، فرهنگ‌ی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند.

یکی این‌که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنند. دوم این‌که در سازندگی نفس خود کوشش کنند. «و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون»؛ فلاح و رستگاری به این است که همه‌ی ما راه توجّه به خدا، تضرّع و توسّل به پروردگار را به عنوان یک راه روشن داشته باشیم. هیچ کدام به تنهایی کافی نیست. مبادا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش سازندگی - فقط با ذکر خدا گفتن - آباد خواهد شد؛ ابداً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.

**بیانات در دیدار فرماندهان سپاه 1373/06/29**

کسی خیال نکند که جهاد - همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند - تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. اینها نعم الهی هستند و شما باید از این فرصتها استفاده کنید. این فرصتها، از شما مجموعه‌ای به وجود آورده است که افرادش می‌توانند به آن کمال بشری برسند. البته هم می‌توانند برسند و هم می‌توانند نرسند. مبادا کسی خیال کند که «الحمد لله بار ما بسته است.» شما این امکان و این لباس و کفش مخصوص کوهنوردی و این عضله‌ی قوی را دارید. حالا این گوی و این میدان! می‌توانید بروید و می‌توانید نروید. بعضی با همین امکانات، به جای این‌که به طرف اوج بروند، بر می‌گردند به طرف تنزل که شقاوت عظیمی است. خداوند ما را از این‌که دچار چنین وضعی شویم ننگه دارد. پس، اینها امکانات شماست.

**بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1373/01/01**

ابراهیم علیه‌السلام به عنوان یک جوان داعی توحید و تنها دعوت‌کننده به معرفت پروردگار در یک جامعه‌ی غفلت‌زده و شرک‌آلود، وارد میدان دعوت شد؛ اما دلها همه خواب و مغزها متحجر شده بود. ابراهیم علیه‌السلام، به تدبیر الهی باید تکانی به دلها، فکرها و ذهنهای مردم می‌داد تا در سایه‌ی این تکان شدید، می‌توانست حرف خود را به اعماق جان مردم برساند. آن تکان شدید، این‌گونه به وجود می‌آمد که ابراهیم علیه‌السلام، بتخانه و مرکز ایمان کورکورانه و جاهلانه‌ی آن مردم را به هم بریزد.

او وارد بتخانه شد، بتها را شکست و تنها یک بت را که بت بزرگ بود، سالم نگاه داشت؛ برای اینکه از همین نقطه بتواند استفاده کند و ذهنها را متوجّه حقیقت سازد. بعد از آنکه مردم فهمیدند این حرکت، کار ابراهیم خلیل الله است، گفتند: آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟! «قالوا ا انت فعلت هذا بالهتئا یا ابراهیم.» و ابراهیم علیه‌السلام به آنان جواب داد: «قال بل فعله کبیرهم هذا فاسألوهم ان کانوا ینطقون.» از اینجا مجاهدت فکری ابراهیم علیه‌السلام که یک نفر بود در برابر یک دنیا، شروع شد. نکته، اینجاست. یک دنیا پلماانی در برابر ابراهیم علیه‌السلام بود؛ که در آن قدرتهای پرتلاؤ مادّی بودند، ثروتمندان درجه‌ی یک بودند، داعیان و گویندگان تابع قدرت بودند و او تنها بود. این، درس است. یک ملت وقتی‌که در مقابل یک دنیای مخالف قرار می‌گیرد چه حالی دارد؟ امروز شما به ملت ایران نگاه کنید! ملت ایران حرفی می‌زند که هیچ‌یک از قدرتهای جهانی آن را دوست نمی‌دارند.

**پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید 1372/01/28**

شیخ مفید در سلسله‌ی علمای امامیه، فقط یک متکلم و فقیه سر آمد و برجسته نیست، بلکه فراتر از این، وی مؤسس و سرخلقه‌ی جریان علمی رو به تکاملی است که در دو رشته‌ی کلام و فقه، تا امروز در حوزه‌های علمی شیعه امتداد یافته و با وجود برکنار نماندن از تأثیرات تاریخی جغرافیایی و مکتبی، ویژگیهای اصلی و خطوط اساسی آن همچنان پابرجاست مانده است.

تیبیین و اثبات این نکته از آنجا اهمیت می‌یابد که این جریان علمی، در دوران متصل به زندگی شیخ مفید تا نزدیک به نیم قرن پس از درگذشت او، به چنان تحول و تکامل سریع و شگرفی نائل گشته که در برابر آن، نقش تأسیسی شیخ مفید مورد غفلت قرار گرفته است.

در این نکته، تأکید اصلی بر این است که تلاش علمی ممتاز و درخشان شاگرد برجسته‌ی شیخ مفید یعنی سید مرتضی علم الهدی (متوفی در 436 ه) و اوج قله‌ی رفیع همین سلسله در عهد شیخ‌الطائفه محمدبن‌الحسن‌الطوسی متوفی در 460 ه) در واقع ادامه‌ی جریانی است که سرچشمه و مؤسس آن محمدبن‌محمدبن‌النعمان‌المفید بوده است. برای تبیین این نکته لازم است نقش مؤثر و تعیین کننده‌ی مفید:

1 در تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)

2 در بنیانگذاری شکل و قالب علمی صحیح برای فقه شیعه

3 در آفرینش شیوه‌ی جمع منطقی میان عقل و نقل در فقه و کلام ...

تعریف شود.

بنای رفیعی که فقهاء و متکلمین شیعه در طول ده قرن گذشته برافراشته و گنجینه‌ی بی‌نظیری که از آثار علمی خود پدید آورده‌اند همه بر روی قاعده‌ی است که شیخ مفید با این سه بعد جهاد علمی خود پی افکنده است.

**بیانات در دیدار انمهی جمعی سراسر کشور 1370/06/25**

باید مطالبی از مسائل اسلامی آماده گردد و به شکل مناسبی تحریر و تقریر بشود و در همه جای کشور گفته بشود؛ آنچنان که در همه‌ی دلها و ذهنها جای بگیرد. باید مطالبی از مسائل اسلامی انتخاب بشود که پاسخ به شبهه‌های تقدیری و فرضی‌بی باشد که می‌دانیم امروز با وسایل مختلف، در بین خواص مردم پراکنده می‌شود.

افکار فلاسفه و نویسندگان و متفکران مادّی غرب، امروز در سطح دانشگاه‌های ما، به صورت کتاب و ترجمه وجود دارد. نمی‌شود سدی درست کرد که اینها وارد نشوند؛ این

امکان ندارد و مصلحت نیست. افکار باید بیابند و حضور داشته باشند. در مقابل آن افکار، باید پادزهر ایجاد کرد. روحانیت این کشور، جوانان را در مقابل تفکرات پُر جاذبه‌ی مارکسیسم واکسینه کرد و به آنان پادزهر زد.

مارکسیست‌ها در این مملکت، مگر کم کار می‌کردند، کم جزوه منتشر می‌کردند، کم بحث می‌کردند؟ همین متفکران اسلام و روحانیون بودند که توانستند در مقابل آن همه حرف پُر جاذبه و شیرین و عوام‌فریب - که از آن عوام‌فریب‌تر، انسان کمتر حرفی را سراغ دارد - جوانان ما را حفظ کنند. در بین جوانان ما کسانی بودند که با مارکسیست‌ها مبارزه علمی می‌کردند. حالا دیگر هر فکری باشد، جاذبه‌اش بیشتر از آنها که نیست.

#### بیانات در دیدار مسئولان دفتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی 1369/07/04

برادران و خواهران نهضت سوادآموزی بدانند که در حال جهادند. به شهرها و روستاهای دورافتاده رفتن و در خانه‌ها را زدن و در مساجد کلاس تشکیل دادن و بدون چشمداشتِ احسنت و تشکر، علم و سواد را - که ارزنده‌ترین هدیه‌هاست - به مردم دادن، یک جهاد است. بی‌سوادی، برای همه‌ی جوامع انسانی یک لکه‌ی ننگ است؛ اما برای یک جامعه‌ی مسلمان انقلابی، در این دوران و عصر پُر زحمت که قدرتهای بزرگ از بی‌سوادی و ناآگاهی مردم استفاده می‌کنند، بیشتر مایه‌ی ننگ است. نمی‌خواهم به بی‌سوادی اهانت بکنم؛ اما بی‌سوادی واقعاً لکه‌ی ننگی است. خود بی‌سوادان و در کنار آنان با سوادان، تلاش کنند که این لکه‌ی ننگ را بشویند.

این حرکتی که در تابستان امسال شروع شد و شما عزیزان نهضت سوادآموزی، با پیشگامی دولت و رئیس جمهور محترممان، این کار را انجام دادید و پیشرفت‌هایی کردید، خیلی باارزش بود؛ اما نگذارید نیمه‌کاره بماند. وسط راه نمانید؛ تا آخر بروید.

آن وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد و درس و مشق و نشانه‌های تعلیم و تعلم وجود نداشت، اسلام و قرآن ما با «اقرأ» شروع کرد و به قلم و نوشته سوگند خورد و اسیر جنگی را در مقابل یاد دادن چند کلمه آزاد کرد. این، متعلق به چهارده قرن پیش است. همان کارهای اسلام و نبی مکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) موجب شد که جامعه‌ی امّی عرب (امّی، یعنی بی‌سواد؛ «هواللذی بعث فی الاممین») در زمانی که اروپای امروز هیچ خبری از علم و دانش نداشتند، دارنده‌ی بزرگترین دانشگاه‌ها و بزرگترین دانشمندان و فارابی‌ها و ابن‌سیناها و محمدبن زکریاها و ابوریحان‌ها و دیگران و دیگران شود. یعنی در صدر اسلام، مبارزه‌ی بی‌سوادی و تحریض و تحریض به علم و دانش، جامعه‌ی اسلامی را حدود هفت، هشت قرن از همه‌ی دنیای متمدن آن روز جلوتر برد. البته بعد ما رجعت کردیم، مسلمانان تبلی کردند و کار ما به این‌جا رسید؛ ولی حالا می‌توانیم دوباره شروع کنیم. دوباره انقلاب شد، دوباره اسلام سر کار آمد و حالا دیگر بی‌سوادی معنی ندارد.

